

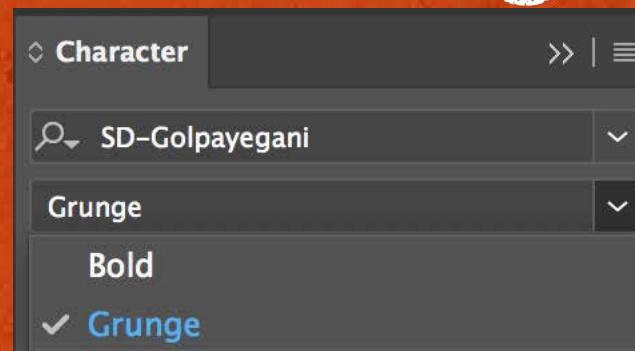
معروفی فومنت 

(Typeface)

پرگرفته از آثار اینستاد  
کلپایگانی

# گلپایگانی

{ ساده } { بافت دار } { SD-Golpayegani }  
{ SD-Golpayegani-Grunge }



بازسازی و طراحی:  
استودیو دفتر  
یهار-زمستان ۱۳۹۸



این فوتوشیپ الیام از آثار  
بُنَادْ كَلِسِ بَكَانِي  
۶ خصوصاً مجموعه طرح جلد های طراحی شده  
توسط او در آنتشارات فرانکلین  
بازآفرینی شده است.



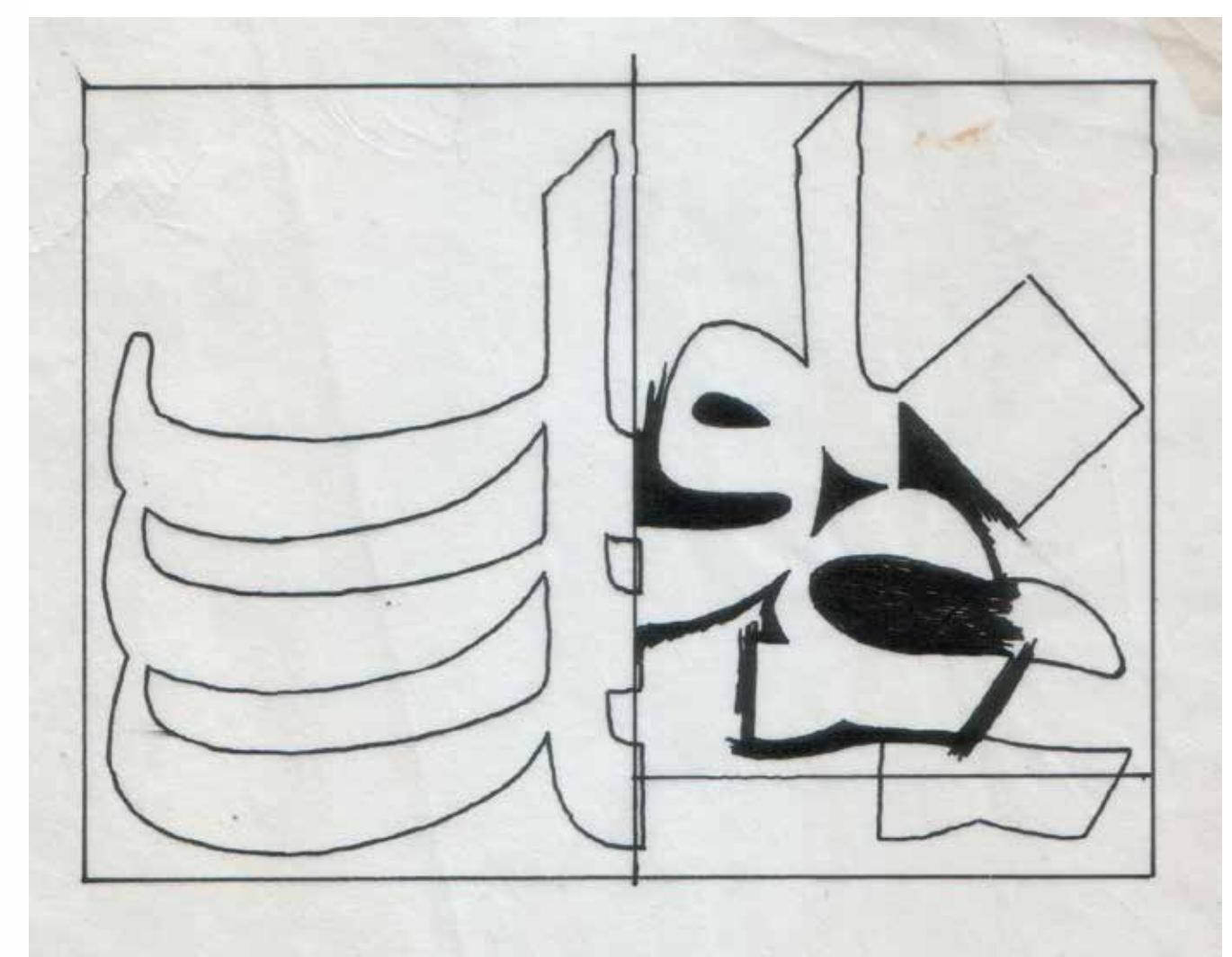
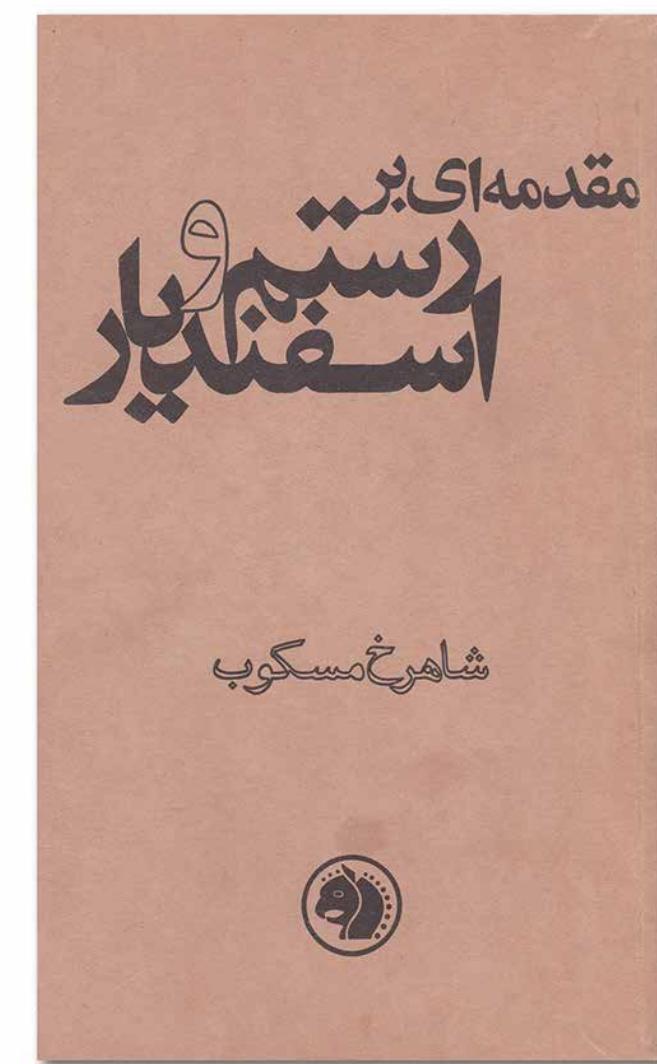
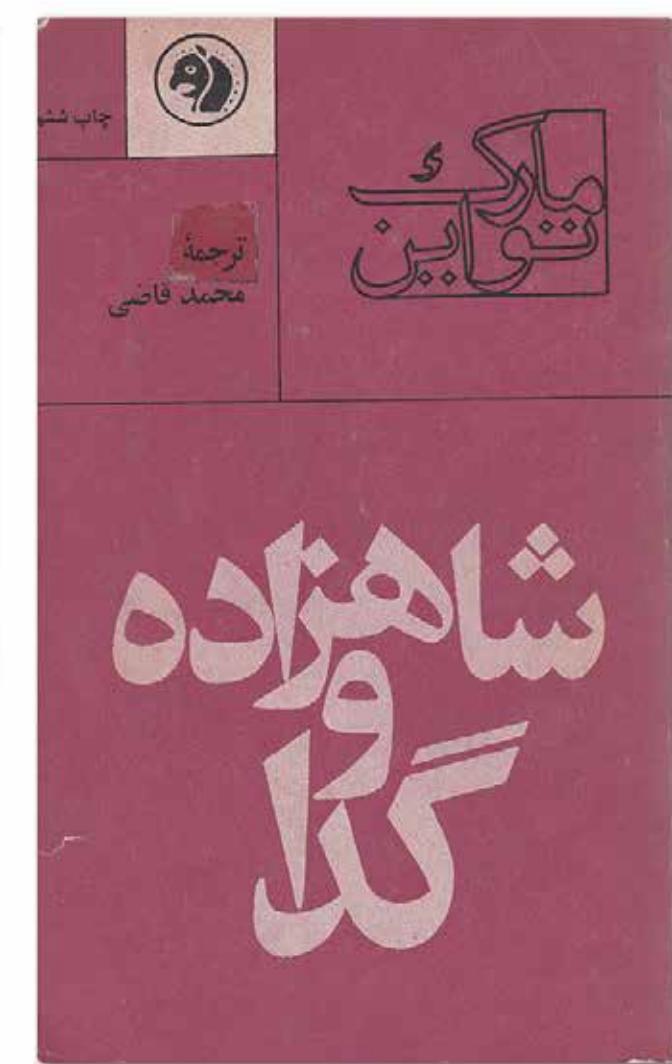
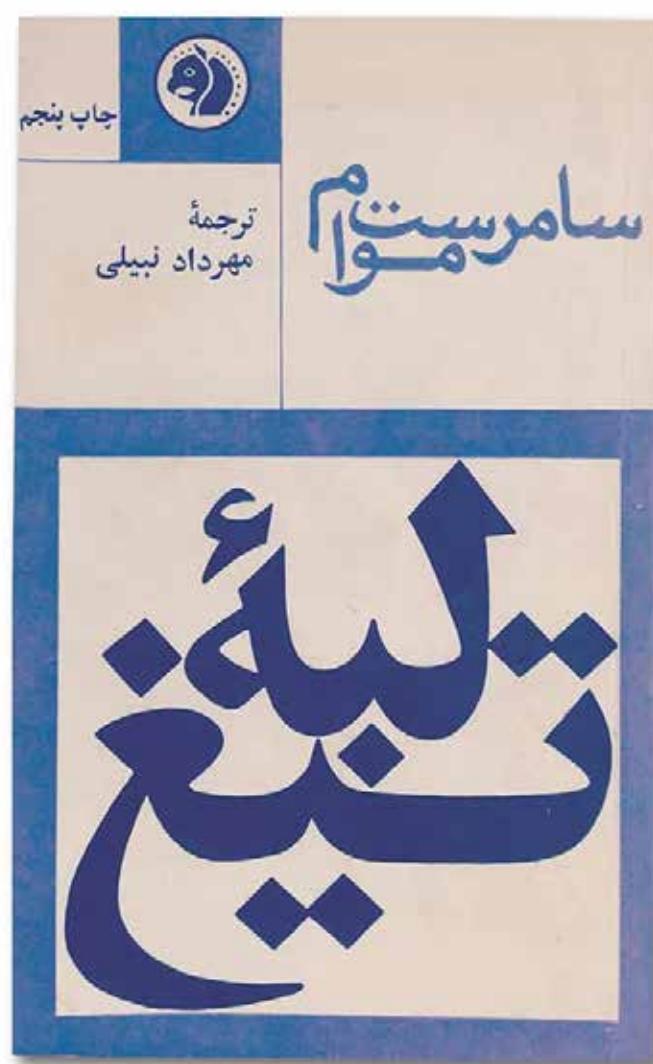
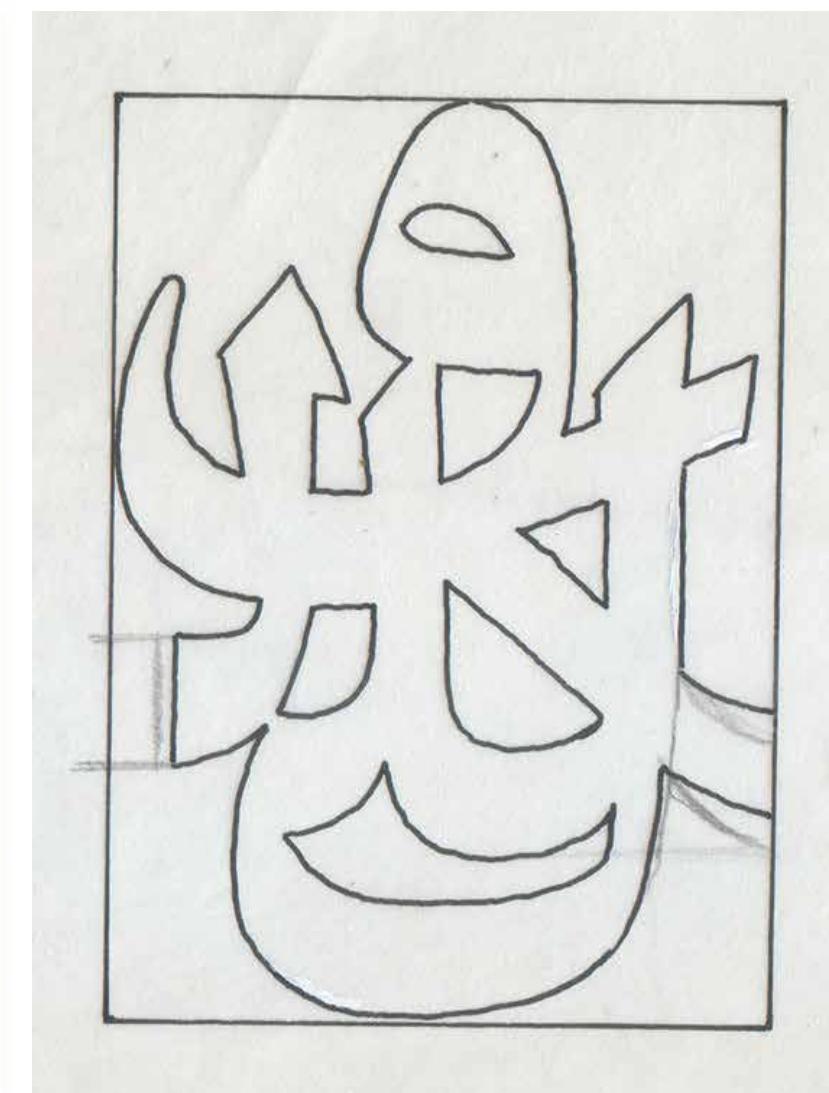
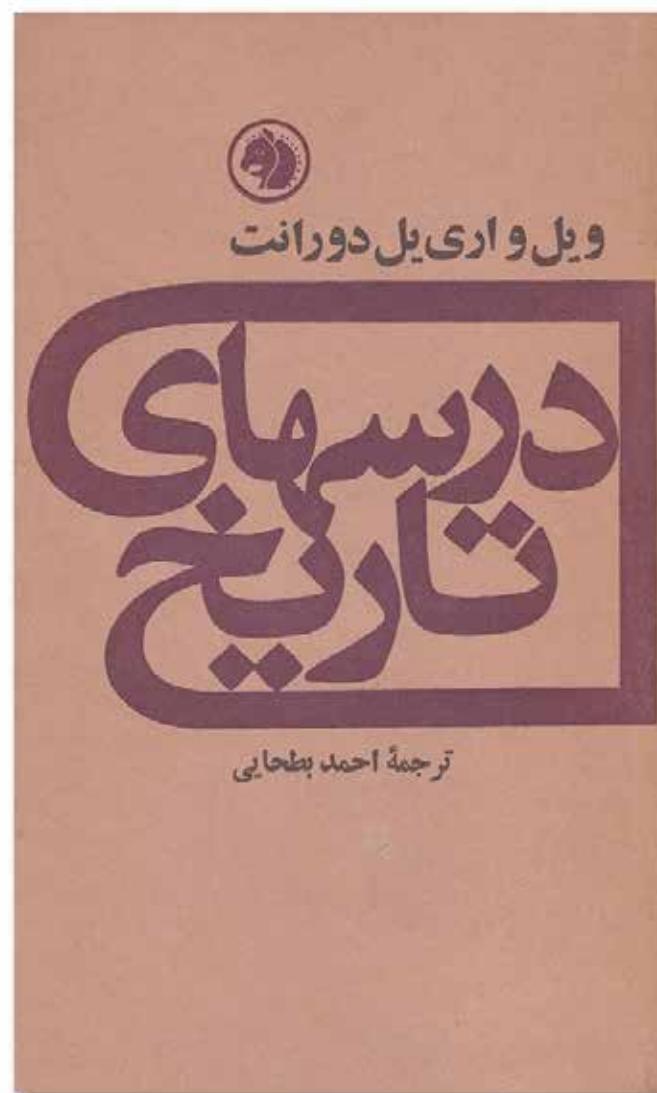
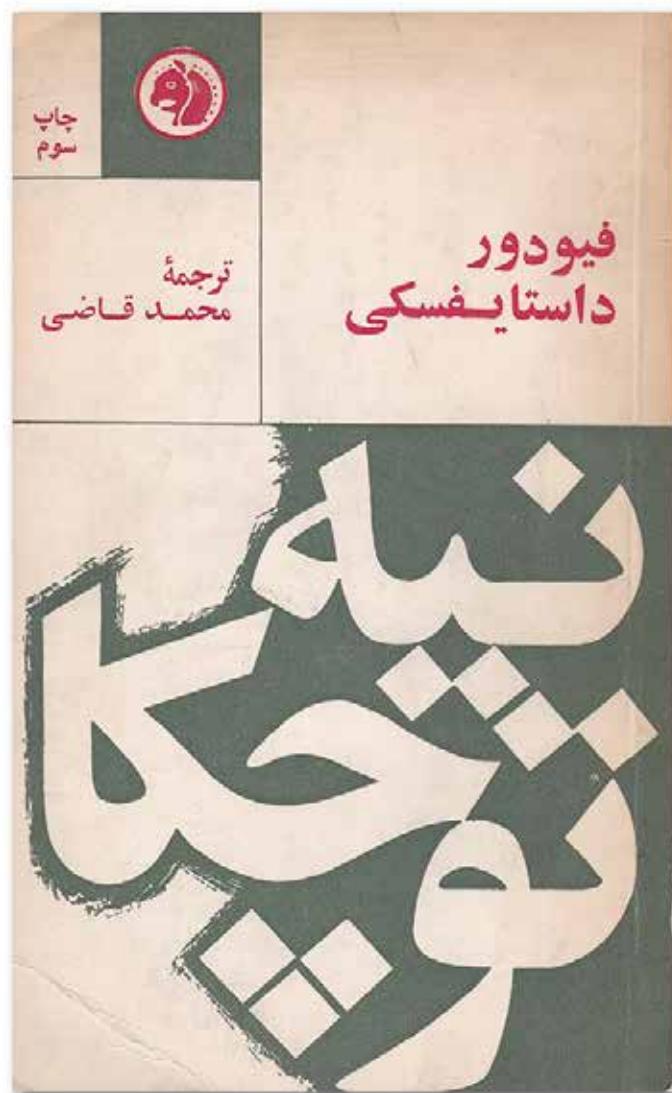
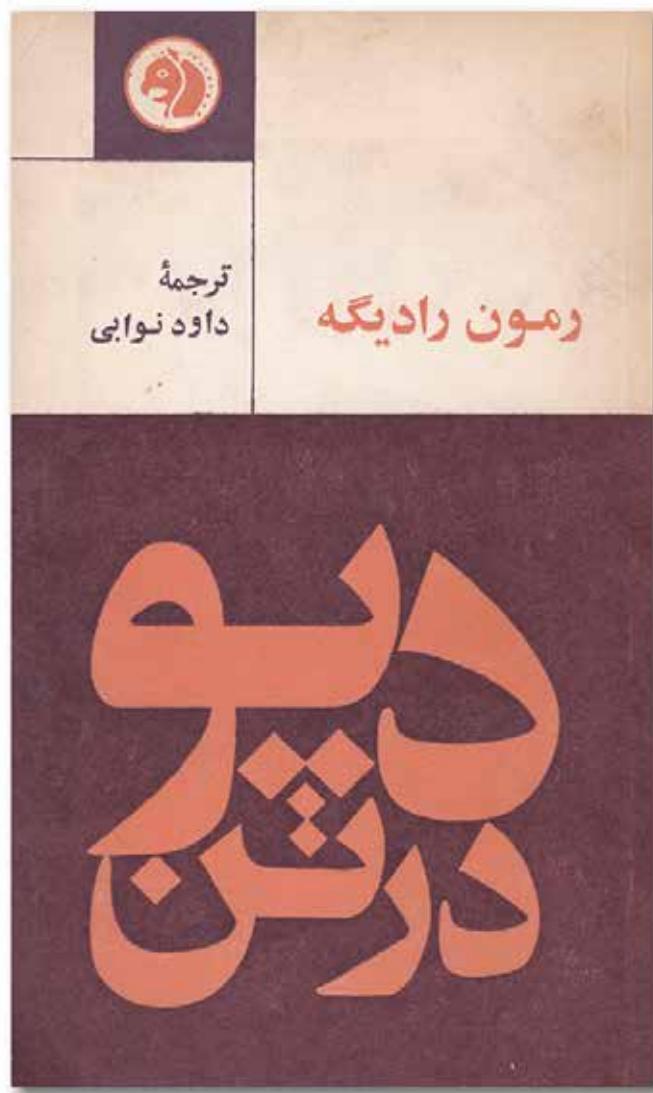
# ★ بهرزاد گلپایگانی [ طراح گرافیک ۱۳۶۴-۱۳۱۷ ]

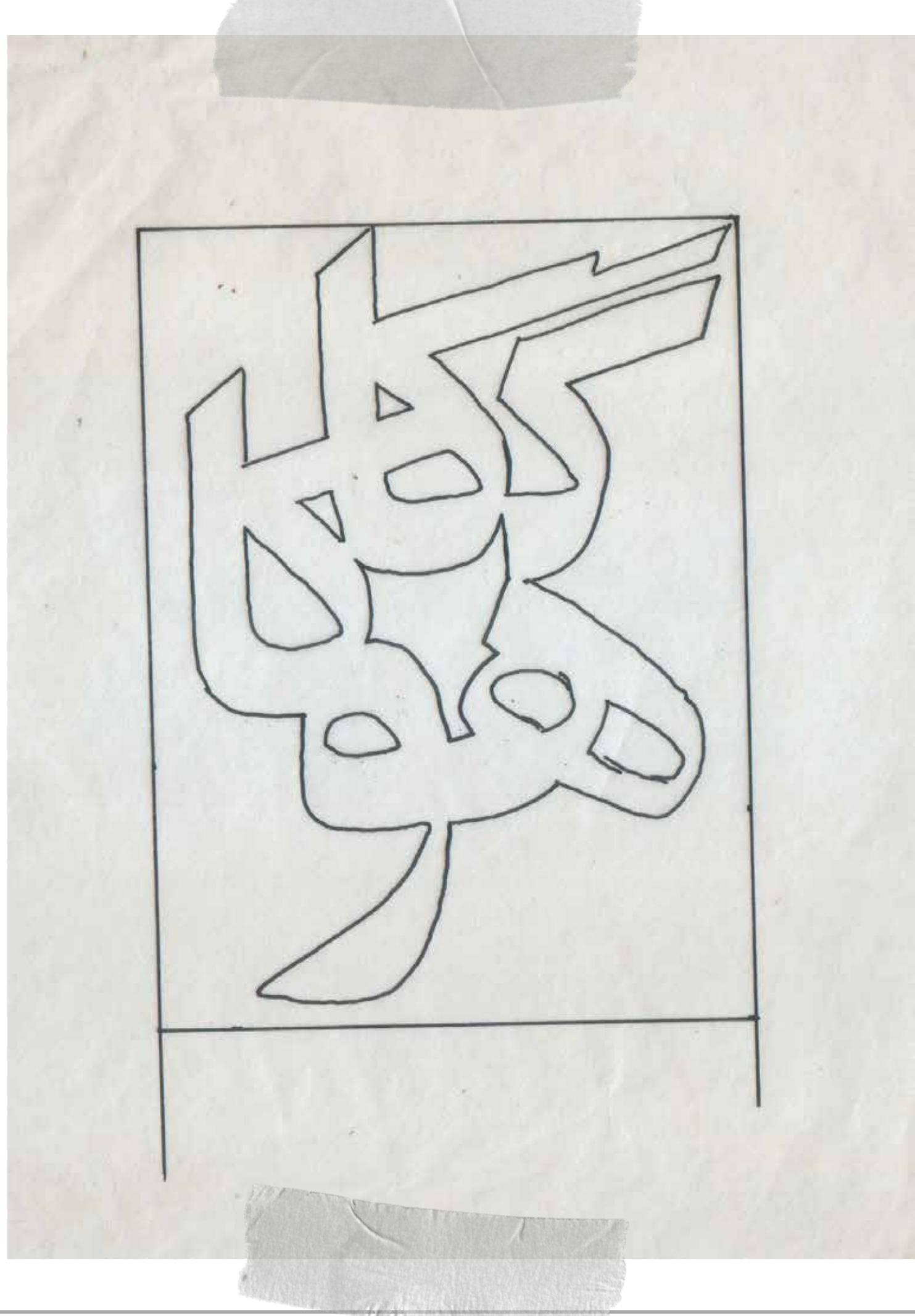
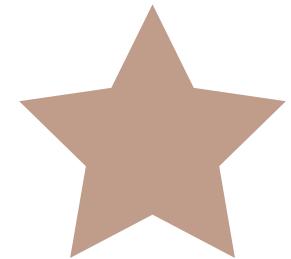
- از نخستین ورودی‌های هنرگذرهای تزئینی
- جزو اولین حلقه‌ی هنرمندان «مکتب سقاخانه»
- پایه‌گذاری مجموعه‌ای کاملاً متمرکز بر تایپوگرافی در تاریخ گرافیک ایران
- طراحی مجموعه جلد کتاب‌های «انتشارات فرانکلین»
- آثاری حاصل مطالعه‌ی مداوم در ساختار حروف و ترکیب کلمه‌ها
- توجه به فضاهای خالی، بازی با اندازه‌ها، فضاهای مثبت و منفی در آثار
- برگزاری نمایشگاه «سپید بر سپید» (آثار تایپوگرافی)
- مطالعه در ارتباط فرم با معنا...

---

\* از متن **کتاب بهرزاد** | به کوشش استودیو دفتر | نشر نظر ۱۳۹۸  
(کتاب بهرزاد با استفاده از فونت «گلپایگانی» طراحی شده است)

★  
گزیده منابع  
مورد استفاده  
برای بازآفرینی  
فونت گلپایگانی  
(آثار بیزاد گلپایگانی)





بهرزاد برای ترکیب‌بندی آثارش،  
از روی حروف «سیاه\*» (زَر) الگو بوداری می‌کرد.  
در طی این فرآیند، تناسبات و شکل حروف  
دگرگون می‌شدند و در نهایت فرم‌هایی  
تازه پدید می‌آمدند.

در «فونت گلپایگانی»  
حروفی را که در این فرآیند بیشتر دچار  
دگرگونی (Deformation) شده بودند،  
استخراج، و در ترکیب نهایی قرارداده شدند.

### ★ اتودهای دستی بهرزاد گلپایگانی

\* فونتی که امروزه به نام زَر (zar) می‌شناسیم، در دوران فعالیت بهرزاد گلپایگانی (دهه ۵۰ و ۶۰ و قبل‌تر) با نام حروف «سیاه» (در وزن‌های ۱۲، ۲۴، ۳۶، ۴۸ و ۷۲ پوینت) شناخته می‌شد. در دهه ۷۰ با ورود رایانه و نشر دیجیتال و واژه پرداز سینا به «زَر» تغییر نام داد.

# [مقایسه تفاوتات حروف در فونت گلپایگانی و فونت زر]

عرب

SD-Golpayegani-Bold

عرب

Siyah (ZAR)-Bold

بُعْد



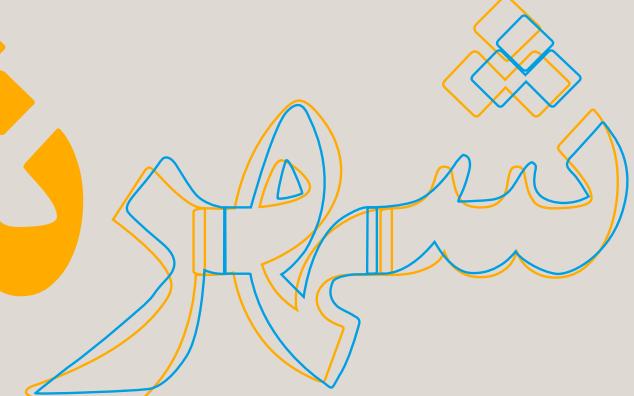
شک

SD-Golpayegani-Bold

شک

Siyah (ZAR)-Bold

شہزاد



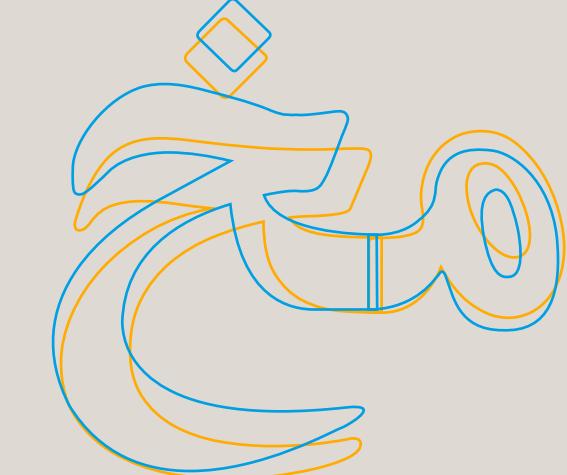
آهو

SD-Golpayegani-Bold

آهو

\*Siyah (ZAR)-Bold

محمَّد



لاط

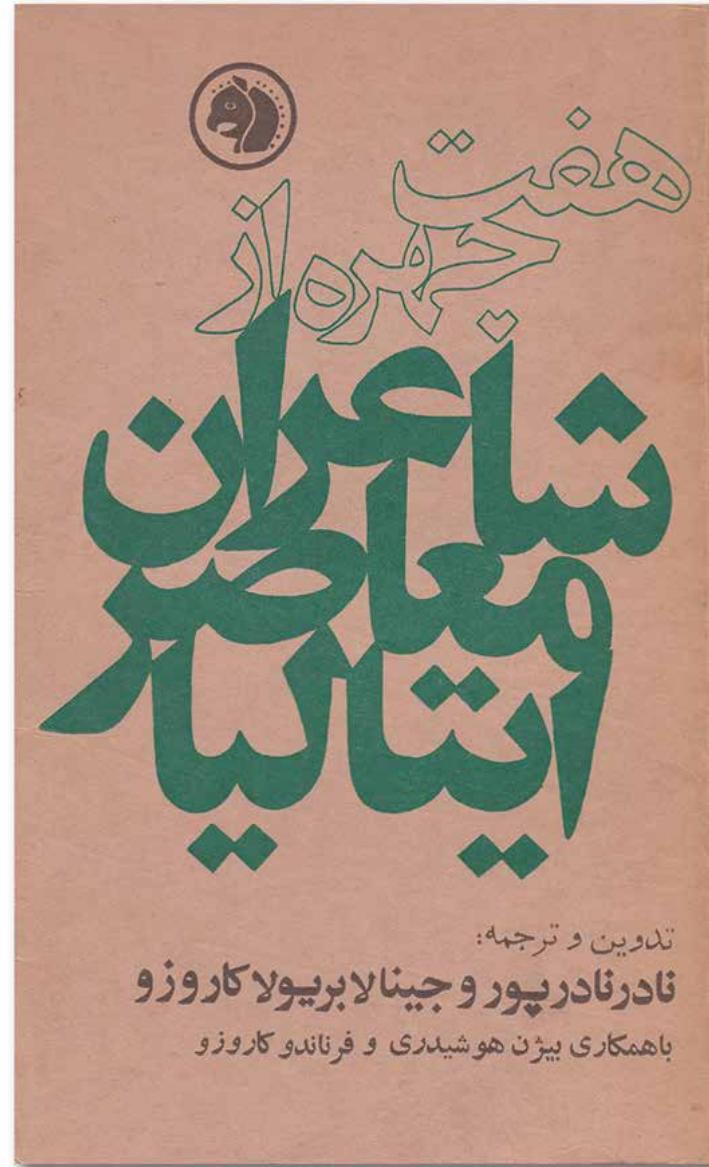
SD-Golpayegani-Bold

لاط

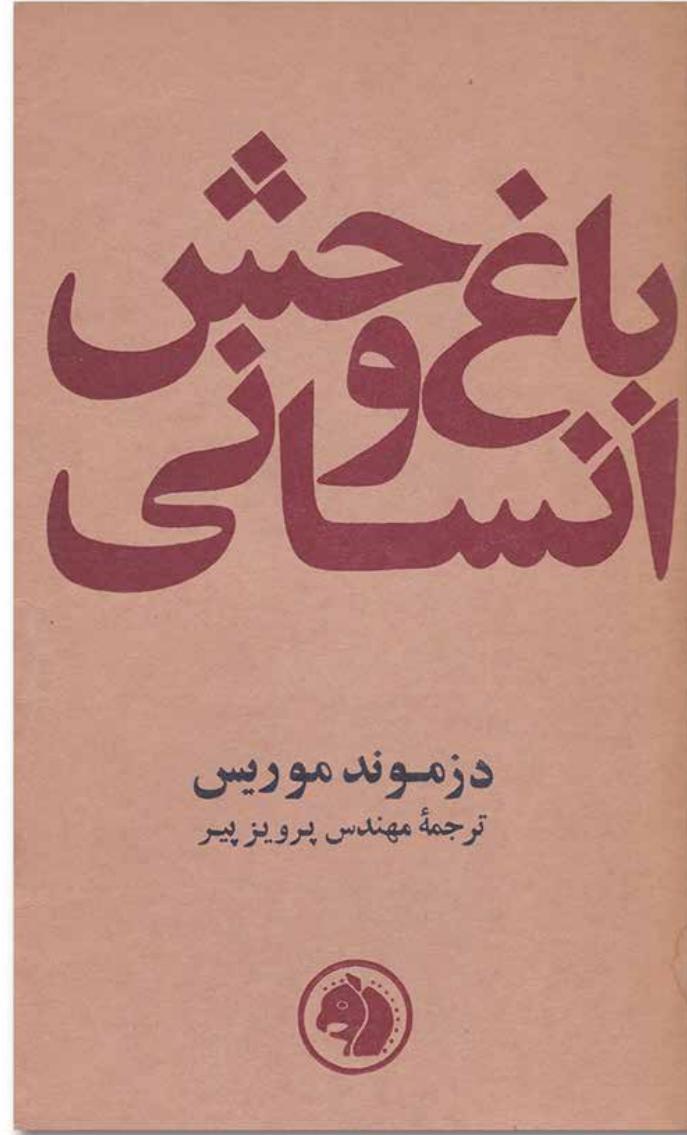
Siyah (ZAR)-Bold

ترقہ

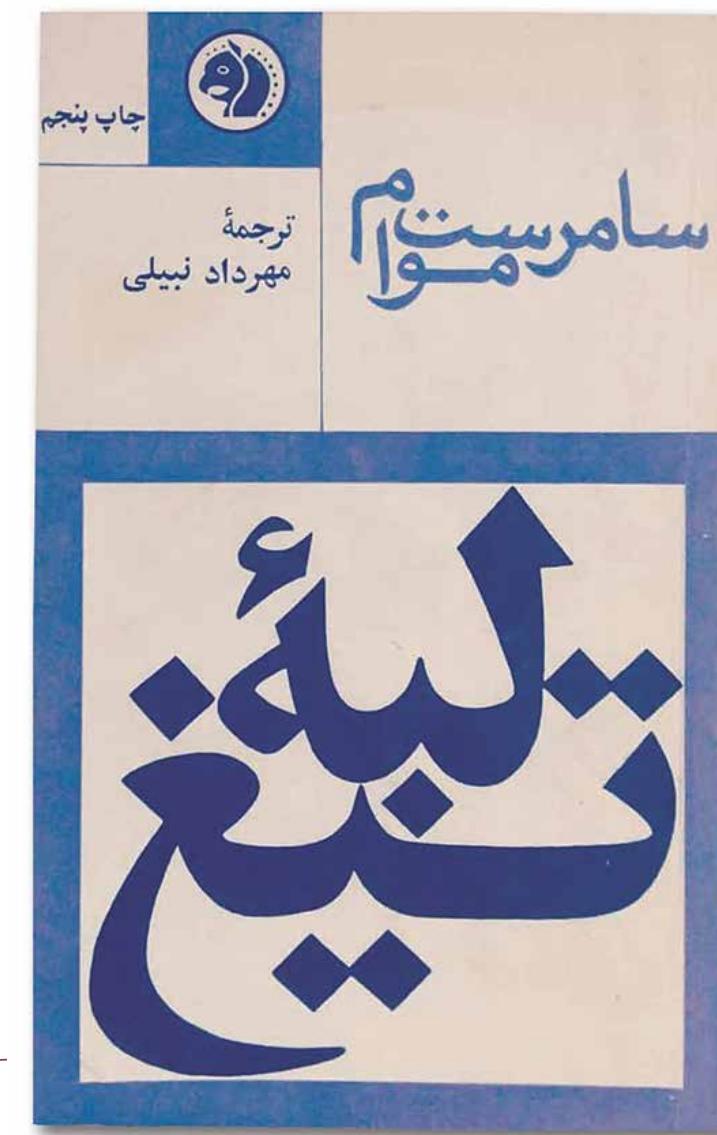




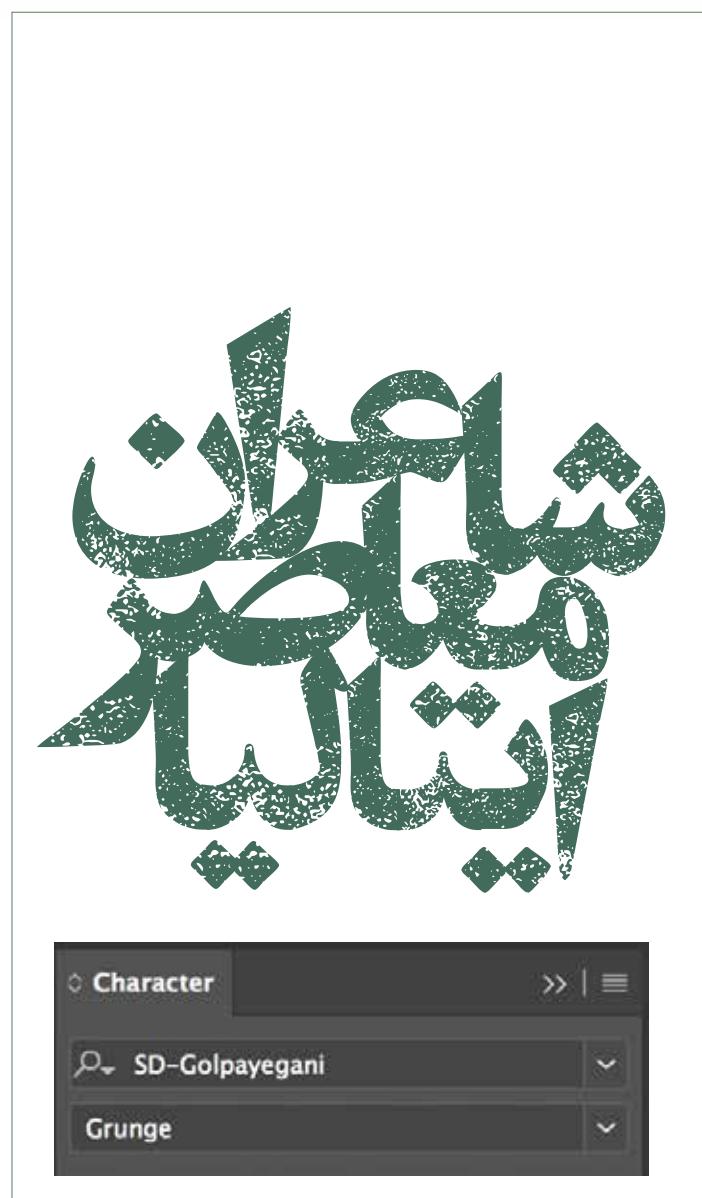
★  
جلد کتاب  
انر بیزاد گلپایگانی



★  
جلد کتاب  
انر بیزاد گلپایگانی



★  
جلد کتاب  
انر بیزاد گلپایگانی



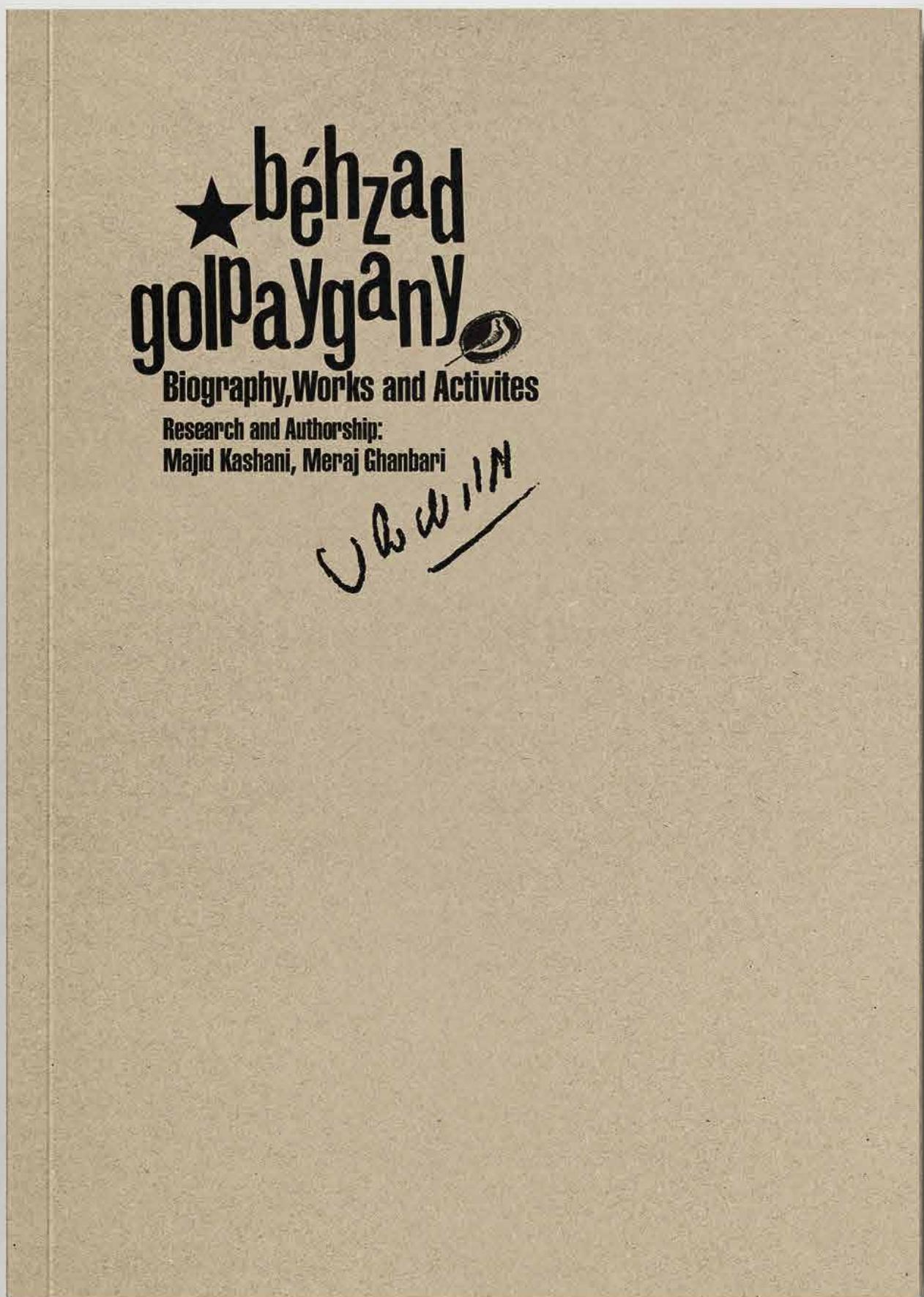
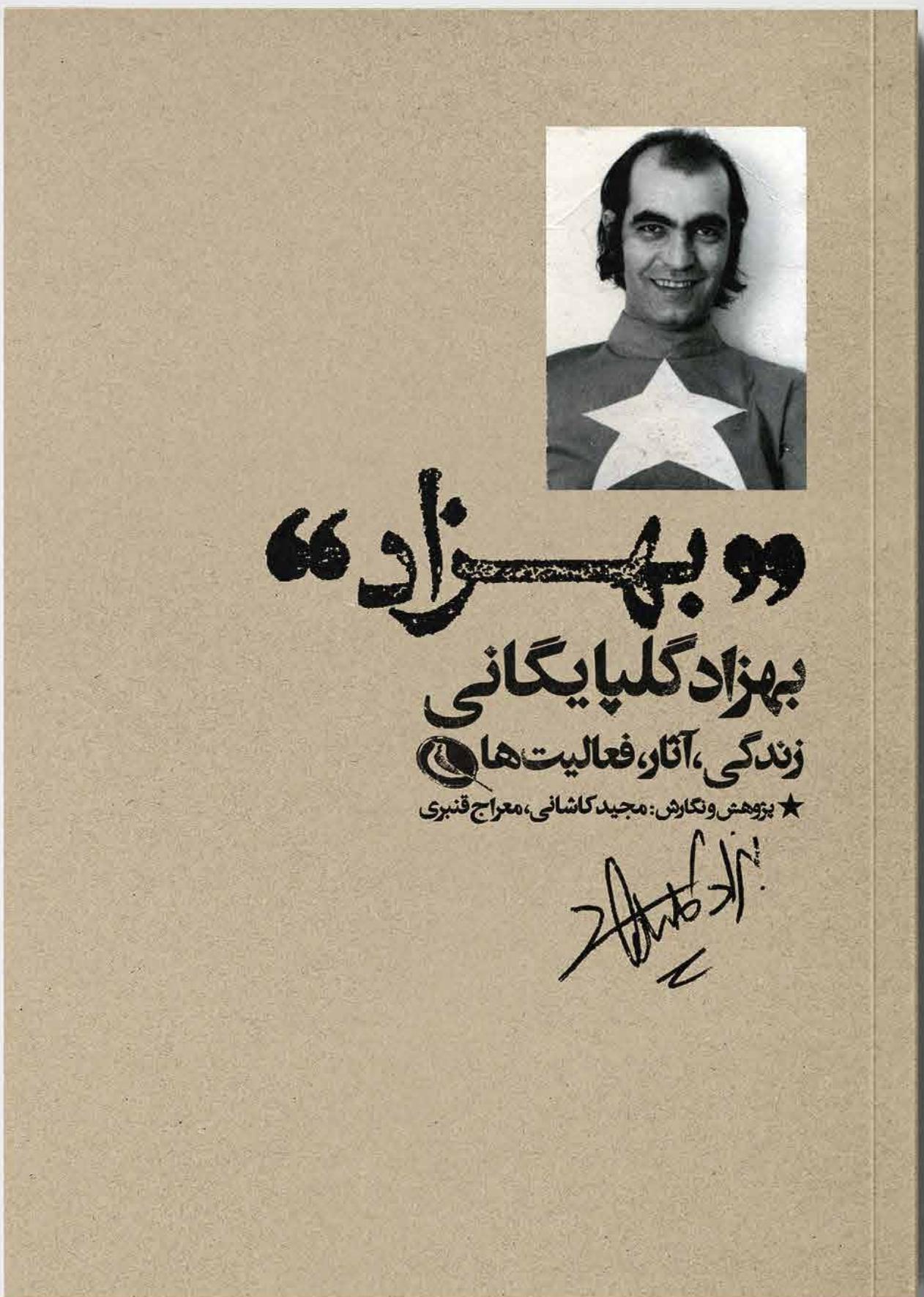
★  
عنوان قایپ شده کتاب،  
بافونت  
SD-Golpayegani-Grunge



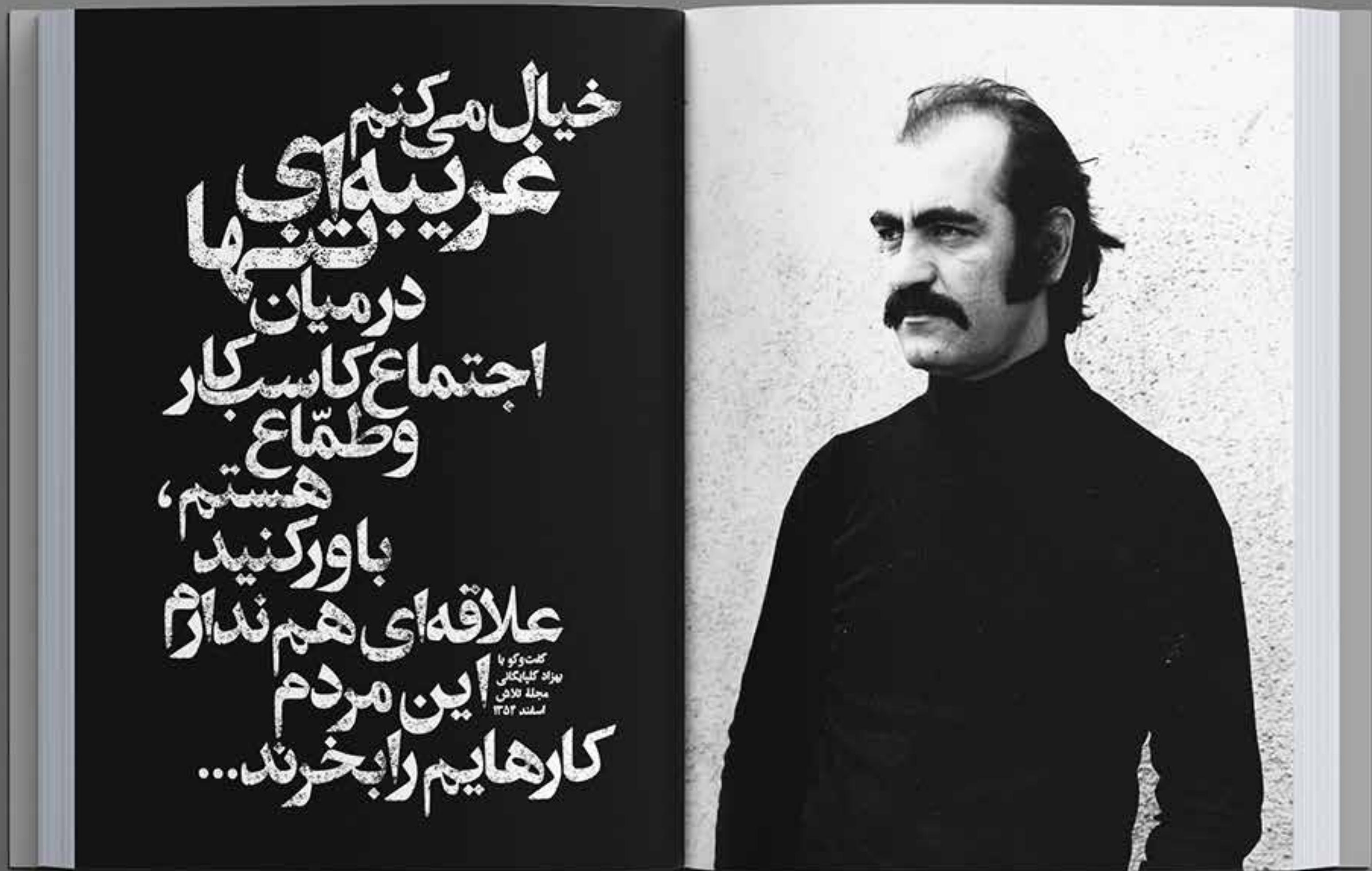
★  
عنوان قایپ شده کتاب،  
بافونت  
SD-Golpayegani-Bold



★  
عنوان قایپ شده کتاب،  
بافونت  
SD-Golpayegani-Bold



★ کتاب بهرزاد، زندگی و آثار بهرزاد گلپایگانی



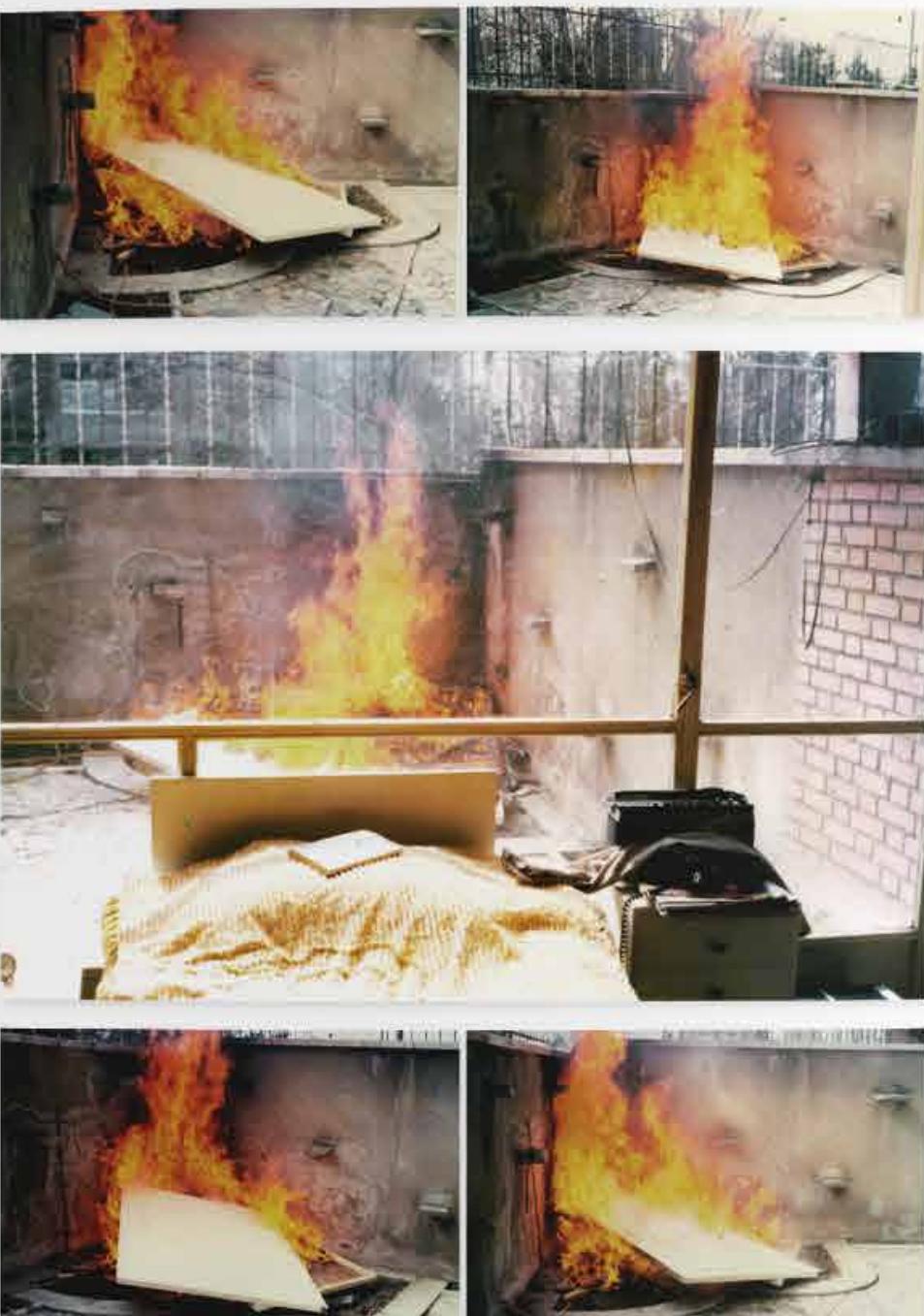
★ کاربرد فونت «گلپایگانی» در صفحاتی از کتاب بهزاد

# ★ واي بر هنرمندي که نگران تقلييد ديگران از آثارش باشد. هانيبال الخا

وحالا يهزاد گلپايگانی (كه هم دوره و همپای زنده روדי و پيلارام و بقیه الخطايان مدون بوده و روزی در آن زمان هم کلاسی و محبت های واقعی جوانی، از شدت رنجیدن از تهمت زنده رودي که «از من تقلييد می کني»، تمام تابلوها يش را با نفت سوزاند که فزديك بود درخت و ساختمانی را آتش بزند) سوزناکی را کنار گذاشته می گويد:

## مگر «کالیگرافی» یا «حروف» می تواند ملک شخصی کسی باشد؟!

و اين منطقی است و درست. و تازه، واي بر حد هنر هنرمندي که نگران تقلييد ديگران از آثارش باشد، مثل کالاي! که اين نوع لامپ و اين آبازور ابتكار من بوده و ديگران با تقلييد از آن بازار و دکان مرا کسد كرده اند. الخا، هانيبال، ۶۲، بي بزرد با آفتاب، نشر مجال، تهران، صفحه ۸۲.



کارهای آتش زده شده توسط بهزاد گلپایگانی  
Burning artworks of Behzad Golpayegani



سپریده روزنامه‌ای نملکوم در آرشیو شخصی بهزاد کلپایگانی  
A piece of a newspaper found in Golpayegan's personal archive

## با این نقاش باید حرف زد!

هابیال الخاص

بازدیدی از مایشگاه اکنوناگی بهزاد کلپایگانی در این جشن ایران و فرانسه نمایشگاه «بهزاد کلپایگانی» در این جشن روابط ایران و فرانسه را در خیابان «حشت الدوله» باید دید وارد که می‌شود سالن «مستطیل شکل» در این برآست از تابلوهای چندست، موقر و تمیز و پهترین تعریف فرنگی آن «الگاالت» تابلوهای بسیار ساده‌ای از حروف درشت فارسی، بیشتر از هر حرفی، حرف «ه» کاهی دوتا «ه» کاهی دوشه «تا» و «کاهی اعدادی مثل «۳» بی «۲». کاهی دوتا «۴» کاهی دوتا «۵» بی‌جندتا «۶»، و این حروف یا اعداد با کمپوزیوی درست و تحصیل کرد و فرمی جهای از هنر کرافت همدیگر را در تابلو بغل می‌کنند، با تهم توجه به فرم، به نسبتها، به اندازه‌ها و فضلهای منفی و مثبت. این حروف کاهی از سرب‌اند، برسید و چسبیده بر فیبر، کاهی نیز از برنز و کاهی از قیصر بر فیبر و رنگ‌ها با ملاپای بر سیاه است یا نقره‌ای بر سیاه با سفید بر سیاه یا بر عکس، با سفید بر سفید. دوشه تایی از تابلوها بوم است بالا و پایین بسته به چوبی و ایوان به دیوار متل نوهدای قدیمی که تازگی‌ها زینت الجرزوخیلی از اتفاهی مردم هنر نویسی پسند ماست و یکی از این برددها حروف قرمز بر سیاه دارد، ولی تیر نمایشگاه «سپید بر سپید» است و کارت دعوت آن با عکسی از خود بهزاد کلپایگانی با کاتی با نقش سیاه و سفید که سیاهی چشمها باک شده - یکی از کارت‌های دعوت بسیار شیک بود که تازگی‌ها به دست مارسیده، در عنی حال ساده و کم خرج.

**تازپنیری‌ها**  
و حال حرفی از تازپنیری‌ها  
مجاله «سپید بر سپید» از «مالویچ» شروع می‌شود  
بدنه‌ها هم «آدرانهارت» آمریکایی با تابلوهای «سیاه بر سیاه» خیال کرد در نوآوری ملاد و دونصف کرده است، بعد ماله حروف - نوشته - کلپایگانی بر برددها از مصر یا آشور کهن، که در تراست تاریخ چند سال پیش که چند تا از نقاش‌های ما به تقلید هنرمندان مدرن غربی مثل «استوارت دیویس» بجا حروف لاتین حروف غربی می‌باشند که در تابلوهای خود آورده و فریادها برآمد که در ایران سبکی بینا شد و جد دعواهایی بر سر اینکه «من اول بودم». با خیر من اول نیز! بودم.  
و حال بهزاد کلپایگانی (که هم دوره و همیان زنده‌روید و بی‌لام و بقیه الخطاطان مدرن بوده و روزی در آن زمان همکلاسی و محبت‌های واقعی جوانی ازشدت

★ چند سال پیش که چند تا از نقاشهای ما به تقلید هنرمندان مدون غربی مثل «استوارت دیویس» به جای حروف لاتین حروف غربی یا فارسی را در تابلوهای خود آورده و فریادها برآمد که در ایران سبکی بینا شد و جد دعواهایی بر سر اینکه «من اول بودم».  
«من اول بودم».  
يا خير من اول تر بودم!!

★ و این حروف یا اعداد با کمپوزیوی درست و تحصیل کرده و فهمی جهانی از هنر کرافت همدیگر را در تابلو بغل می‌کنند

★ از شدت و نجیدن از تهمت زنده‌رویدی که «از من تقلید می‌کنی» تمام تابلوهایش را در کوچه با نفت سوزاند که نزدیک بود درخت و ساختمانی را آتش بزند!

و نجیدن از تهمت زنده‌رویدی که «از من تقلید می‌کنی» تمام تابلوهایش را در کوچه با نفت سوزاند که نزدیک بسود درخت و ساختمانی را آتش بزند سوزاند سوزانگی را کنار گذاشته می‌کویید مگر «کلپایگانی» یا «حروفه می‌تواند ملک شخصی باشد و این منطقی است و درست و تازه وای بر حد هنر هنرمندی که تکان تقلید دیگران از آثارش باشد مثل کالایی! که این نوع لامب و این آغاز و ابتدائی‌گومن بوده و دیگران با تقلید از آن بازارهای کان مرا کسد کرده‌اند کلپایگانی برخلاف هم‌دوهه‌ای خود و بدون کم و کسری از آنان و بدون اسم و رسی مدوشه و در ایران کنار گذاشت و بدون بوسی، بی حسابگری باز و بست و تنها بین خست خود ۶ سالی و در فراسه دوام آورد و حالا که برگشته است خود و انتها می‌پند و از قاله شهرت و نام عقب مانده. و عیب این کار فقط حسرت بی خود ردن او است همین نایشگاهش نشان می‌دهد که از دیگران کم و کسری سازده و مساله او دوام اوست و تحصل و کلرهای بعده ای او و نایشگاههای دیگرا و من از فرم کار او ایرانی نمی‌کیم و معتقد موقیت تابلوهای بزند بر سیاهش کمتر از دیگران است و نوع کارهایش برای تائیر پیشتر، ایصال بزگتری می‌طلبد مضمون تابلوها؟!

و حالا برسیم به مضمون دادن‌های او باین تابلوها و مساله ذهنیست کارها و دود او از فرم مردم، از بازدید گندکان و حرفهایشان که من آن وکلا و عیناً قابل می‌کنم: «مساله ایونیسم» را در این حسرت من نهی‌پنده‌ایم همچه های من می‌پنی چگونه در آغوش هم هم به حالت ۶۹ خوابیده‌ام! یا این؟ بزر آن؟! مترم می‌پرسند این همه های «هلوه» یعنی چه؟ من از یکی از آنها می‌برسم: «خود بکو» که «هه» ی «هلوه» به تو چه می‌کوید و چه وابه خاطر می‌آورد و یکی از این مردم گفت «من فقط بیلا «هصدان» می‌آنم من می‌برسم: دیگر چی می‌کوید: نمی‌دانم! من (کلپایگانی) مجبور شدم بدیکی بگویم: این «ه» ها لعله سک من است. من (ایضاً کلپایگانی) براي این مردم متأسفم وظیفه من نیست که به مردم هنر پیشوونم. تمام این تابلوهای من حرفی و جمله‌ای بسیار اجتماعی دارد، ولی هنر را که نایاب توضیح داد بکی از دوستان که در کنارش نشسته در دندان حرفهای او بهاری‌لا می‌کویید «تعالم این سالن برآست از ها های و «له له» و «ههههههه» و ناله و ضجه و نساهای مردم ولی مردم نمی‌فهمند» باید این نایشگاه را دید و با این نقاش حرف زد باید هنر را کلی بس خاطر هنر دید و فهمید ولی با مضمون‌ها بس سعی بر فهمیدن و فهماندن آن کجا است؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَ وَالْقَلْمَ وَمَا يَسْطُرُونَ (١) مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ  
رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (٢) وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (٣) وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ  
عَظِيمٍ (٤) فَسَتُبْصِرُ وَيُبَصِّرُونَ (٥) بِأَيْنِكُمُ الْمَفْتُونُ (٦) إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ  
بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهَتَّدِينَ (٧) بَغَالاً تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ  
(٨) وَدُّوا لَوْ تُذَهِّنُ فَيُذَهِّنُونَ (٩) وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَافٍ مَهِينٍ (١٠)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَ وَالْقَلْمَ وَمَا يَسْطُرُونَ (١) مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ  
رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (٢) وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (٣) وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ  
عَظِيمٍ (٤) فَسَتُبْصِرُ وَيُبَصِّرُونَ (٥) بِأَيْنِكُمُ الْمَفْتُونُ (٦) إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ  
بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهَتَّدِينَ (٧) بَغَالاً تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ  
(٨) وَدُّوا لَوْ تُذَهِّنُ فَيُذَهِّنُونَ (٩) وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَافٍ مَهِينٍ (١٠)

# فونت کالیگرافی

بازسازی و طراحی: استودیو دفتر

(بهار - زمستان ۱۳۹۸)

مدیر هنری: مجید کاشانی

همکاران: امیرحسین فراهانی، معراج قنبری

تبديل به فونت نرم افزاري: حجت نوراللهي

باسپاس از همراهی امیر مصباحی // مسلم ابراهیمی

فروش: فونت ایران [www.fontiran.com](http://www.fontiran.com)

استودیو دفتر<sup>®</sup>

 [studiodaftar@gmail.com](mailto:studiodaftar@gmail.com)

 [instagram / studiodaftar](https://www.instagram.com/studiodaftar)

 [telegram.me / studiodaftar](https://t.me/studiodaftar)